

# مطالعه و شناخت نقوش جاندار بر روی سفالینه‌های نیشابور (در قرون سوم و چهارم ه. ق)<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۸/۲۰

تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۱۱/۳۰

فرید احمدزاده<sup>۲</sup>

سید هاشم حسینی<sup>۳</sup>

لیلا زنگنه<sup>۴</sup>

## چکیده

نقش‌مایه‌ها در هنر سفالگری حامل مفاهیم و مضامینی است، که تجلی‌گر جهان‌بینی جوامع بشری به شمار می‌آیند؛ نقوشی که بر سفال نقش می‌بندد، بیانگر میراثی است که در آن بستر به وجود آمده‌اند. تحقیق پیش رو، به بررسی و تحلیل نقوش جاندار بر روی سفالینه‌های نیشابور در دوره سامانیان می‌پردازد؛ که جزو زیباترین و اسرارآمیزترین نقوش سفالینه‌های اسلامی محسوب می‌شوند.

اهداف این پژوهش عبارتند از: شناخت مفاهیم و مضامین آن‌ها و مشخص کردن عواملی که در نقش کردن نقوش جاندار بر روی سفالینه‌های دوران مزبور دخیل بوده‌اند. لازم به ذکر است که تاکنون در رابطه با این نقش‌مایه‌ها در هنر سفالگری اسلامی، نظریه‌های گوناگون مطرح شده‌است؛ اما اغلب آن‌ها مصادیق مستدل و مستندی را در این زمینه ارائه نکرده‌اند. بدیهی است که اطلاعات مستخرج از نمونه‌های به کار رفته در سفالگری نیشابور در دوران سامانی، می‌تواند تا حدود زیادی راهگشای بسیاری از ابهامات موجود در این زمینه و شناخت هرچه بیشتر نقوش جاندار بر روی این سفالینه‌ها باشد. از همین رو می‌کوشیم، ابعاد مختلف مفهومی و محتوایی و نمادین نقش‌مایه‌های مزبور را به صورت مستند، با روش پژوهشی توصیفی - تحلیلی، و تکیه بر روش کتابخانه‌ای مورد بحث و تحلیل قرار دهیم. بنابر مهم‌ترین یافته‌های تحقیق، عامل واحدی را نمی‌توان به عنوان تنها عامل نقش کردن نقوش جاندار بر سفالینه‌های نیشابور ذکر کرد؛ بلکه مجموعه‌ای از عوامل و منابع شناخته و ناشناخته در نقش کردن آن‌ها دخیل بوده‌اند که از مهم‌ترین منابع شناخته شده آن‌ها، رواج و رونق ادبیات و فرهنگ ایران‌زمین در دوره سامانی، علاقه خاندان پادشاهی سامانی به فرهنگ و هنر و اساطیر ایران‌باستان و ابداعات هنرمندان طراح سفال از محیط و طبیعت اطراف خود می‌باشد. گردآوری اطلاعات نیز، از طریق کتابخانه‌ای، منابع مکتوب، تصویری و الکترونیکی صورت گرفته است.

**واژگان کلیدی:** سفال، نیشابور، نقوش جاندار، سامانیان

1. DOI: 10.22051/jjh.2017.7365.1027

۲. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه هنر اصفهان، ایران، نویسنده مسئول. farid.bastan123@gmail.com

۳. استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه هنر اصفهان، ایران. hashemhoseyny@gmail.com

۴. کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه بیرجند، ایران. ls.zanganeh@yahoo.com

## مقدمه

سفال از آغاز ساخت و استفاده توسط بشر همواره مصنوعی بوده که با زندگی عامه مردم چه به صورت ساده و چه به صورت فاخر در ارتباط بوده است. با توجه به زمامداری سامانیان و وفاداری ایشان به خلیفه عباسی و همجواری این حکومت با ترکستان چین و نیز رونق و شکوفایی علمی و ادبی در این دوره، ما شاهد خلاقیت‌هایی در نقوش، رنگ و کیفیت مطلوب در سفالینه‌های نیشابور هستیم. البته سفالینه‌های نیشابور از لحاظ شیوه تزیین و آرایش سفال اصالت دیرینه دارد که از منابع و مضامینی چند اقتباس شده است. بنابراین، بررسی و تحقیق در این بخش از هنر ایرانی، می‌تواند ما را به سمت درک عمیق‌تر هنر عظیم و ماندگار ایران زمین رهنمود سازد.

هنرهای کاربردی و نقوش تزیینی ترسیم شده بر سفال‌ها، مهم‌ترین ابزار برای انتقال فرهنگ و سنت‌های هنری و مفهومی در میان ملل کهن بوده‌اند. تداوم استفاده از نقوش ثابت برای مضامین در حال تغییر از زمره مهم‌ترین ویژگی‌های هنر ایران است؛ امری که با تغییر آیین نیز ادامه می‌یابد. از این رو، بسیاری از نقوش و سنن تصویری دوران پیش از اسلام در عصر اسلامی نیز تداوم یافته و شاکله تصویری هنر ایران را می‌سازد (مرتضایی و صداقتی‌زاده، ۱۳۹۱: ۴۸). نباید تصور کرد که فتح اعراب تغییرات بزرگ و ناگهانی در صنایع ایران به وجود آورده است؛ اگرچه تغییرات اجتماعی به تدریج صورت گرفت، ولی زندگی عادی پس از حمله اعراب به همان روش گذشته ادامه یافت و هنرمندان و صنعتگران از روی نمونه‌های سابق به ساختن مصنوعات ادامه دادند (توحیدی، ۱۳۷۹: ۱۲۸). باید گفت، آنچه که هنر و فرهنگ یک ملت را از آغاز نشان می‌دهد، تنها اعتقادات او به جهان پیرامونش است؛ آثار بزرگ هنری در طول قرون متمادی بر اساس این نگرش استوار بوده است و عدم آگاهی در این زمینه تنها باعث می‌شود که از زیبایی این هنر لذت ببریم؛ در حالی که هر خط، فرم و شکل، برای خود مفهومی دارند؛ و چه زیباست هنگامی که به اندیشه سازندگان این آثار پی ببریم. و از آن جایی که اصالت و عظمت فرهنگ یک قوم مستقیماً در هنر آن قوم جلوه می‌کند، باید بگوییم هنر سفالگری، نمایشگر فرهنگ و تمدن، اقوام مختلف بوده و با تاریخ هنر ملت‌ها، پیوند ناگسستنی دارد.

موضوع تحقیق پیش رو، بررسی و تحلیل انواع این

نقوش و زمینه‌ها و مبنای کاربرد آن‌ها در هنر سفالگری دوره اسلامی (سامانی) ایران است. بدیهی است شناخت ویژگی‌های نقوش جاندار (نقوش حیوانی- انسانی)، به‌عنوان بخشی کوچک، اما مهم از عناصر تزیین سفال دوران اسلامی، می‌تواند راهگشای بسیاری از پرسش‌ها و ابهامات در زمینه منابع و انگیزه‌های کاربرد آن‌ها باشد. در همین راستا، تعدادی از نمونه‌های شاخص سفالینه‌های دوران اسلامی نیشابور که حاوی نقوش جاندار به صورت حیوانی، انسانی، ترکیبی یا موجودات خیالی هستند، با جست‌وجو در کتاب‌ها و مقالات مرتبط و مجموعه‌های داخلی و خارجی انتخاب شدند؛ پس از بررسی و توصیف هر یک، مهم‌ترین ویژگی‌های ساختاری نقوش، مشخص شد و در انتها، دلایل کاربرد و نماد هر یک از نقوش مورد بحث و تحلیل قرار گرفت. برای ارزیابی دقیق‌تر، هر یک از نقوش جاندار مورد بررسی و مقایسه نیز قرار گرفت.

جایگاه نقوش جاندار در هنر اسلامی، موضوعی است که بارها مورد توجه هنرشناسان قرار گرفته و نظریه‌ها و پاسخ‌های فراوانی درباره آن‌ها ابراز شده است. اما وجود نقوش جاندار روی سفال نیشابور در دوره سامانیان، واقعیت غیرقابل انکاری را نمایان می‌سازد و آن، رواج و گسترش این نقوش در هنر سفالگری ایران اسلامی است. این نقش‌مایه‌ها به دلیل ریشه عمیقی که در فرهنگ ایرانی داشتند، پس از اسلام نیز تهی از معنا نشدند؛ زیرا اعتقاداتی که با حضور اسلام ممنوع شد، تا مدت‌های مدید هم‌چنان در باور عامه برقرار بود، به طوری که بسیاری از این نقوش خصوصاً در علم نجوم و اخترشناسی جایگاه خود را حفظ کرده است.

## پیشینه پژوهش

به لحاظ سابقه تحقیق، تاکنون در رابطه با نقش جاندار (انسانی، حیوانی، ترکیبی و موجودات خیالی) بر سفال‌های نیشابور پژوهش جداگانه‌ای انجام نشده است. کارهای مشابه صورت گرفته نیز اغلب به معرفی و نماد شناسی کلی نقوش انسانی و حیوانی را بررسی نموده‌اند و یا سیر تحول آن‌ها در هنرهای پیش از اسلام در کنار سایر هنرها، البته با تحلیل‌های ناقص، ارائه کرده‌اند. در حد تفصیل به ندرت محققان یافت می‌شود که به بررسی دقیق، روشمند و جامع به تحلیل این نقوش پرداخته باشد. در این میان محققانی چون عبدالله قوچانی (۱۳۸۴)، ستار خالدیان (۱۳۸۷)، سحر چنگیزی و رضا رضالو (۱۳۹۰) و عباس زمانی (۲۵۳۵)

در بخشی از تحقیقاتشان به تأثیرگذاری هنر ساسانی پرداخته‌اند؛ همچنین مجید آزادبخت و محمود طاووسی (۱۳۹۰) در مقاله «استمرار نقش مایه‌های ساسانی بر نقوش سفالینه‌های نیشابور» و مهرداد همپارتیان و محمد خزایی (۱۳۸۴) در مقاله «نقوش انسانی بر سفالینه‌های نیشابور» بیش تر به توصیف کلی نقوش و به تأثیر هنر ساسانی بر نقوش سفال نیشابور و نمادشناسی آن‌ها پرداخته‌اند که، در نگارش این مقاله مدنظر بوده است.

### روش تحقیق

این تحقیق دارای نظامی کیفی و راهبردی و بر اساس هدف از نوع تحقیق‌های بنیادی و از نظر روش تحقیق از نوع تحقیق‌های تاریخی می‌باشد. روش یافته اندوزی داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای، منابع مکتوب، تصویری و الکترونیکی صورت گرفته است.

### مبانی نظری تحقیق

سابقه نقوش جاندار بر روی سفالینه چنانچه بخواهیم سابقه حضور نقوش جاندار را در هنر سفالگری بررسی کنیم، باید ابتدا به نقش آن، در سفال پیش از اسلام بپردازیم؛ زیرا نقوش جاندار بر سفال دوره اسلامی عنصری مستقل از دوره‌های ماقبل خود نیست. اصولاً تصویر جاندار جزو نقوشی است که از دیرزمان مورد استفاده هنرمندان ایران قرار گرفته است و در آثار ابتدایی تمدن‌های اولیه مناطق مختلف ایران نیز فراوان دیده می‌شود؛ برای نمونه، چند نقش روی اشیاء سفالی مربوط به دوره‌های مختلف را ذکر می‌کنیم.

قدیمی‌ترین نمونه‌های مکشوفه از این نقوش در محوطه‌های پیش از تاریخی چون سیلک کاشان، شوش، چشمه علی و... نقوش انسانی را در حالت‌های مختلف نیایش، شکار، عروسی، ضیافت، رقص، دعا و نواختن موسیقی و از نقوش حیوانی، بز کوهی، اسب، پرندگان و... را نشان می‌دهد. از جمله جام سفالین که از شوش به دست آمده و مربوط به نیمه دوم هزاره چهارم پیش از میلاد است (تصویر ۱)؛ نقش بز با شاخ‌های بی‌نهایت بزرگ رسم گردیده که در میان شاخ‌های بز، قرص کامل ماه که نقش امواج آب و یک شاخه گیاه میان آن نقش شده دیده می‌شود

(تجویدی، شاکری‌راد، ۱۳۸۶: ۳). از دوره ساسانی بشقابی با نقش بز کوهی به‌جا مانده، که هم اکنون در موزه ارمیتاژ است (تصویر ۲)؛ روی بشقاب دایره‌ای بزرگ، با نقوش هندسی و گیاهی فراوان، نقش بزی ترسیم شده است؛ این نقوش جلوه‌ای از نیروی جسمانی را القاء می‌کنند. اما نقوش انسانی در قطعه سفالی که از تپه سیلک کاشان به دست آمده و مربوط به اواخر هزاره پنجم و اوایل هزاره چهارم پیش از میلاد است؛ نقش چهار زن دیده می‌شود که دست یکدیگر را گرفته‌اند (تصویر ۳)؛ نقش انسان روی سفال این دوره بدعت تازه‌ای در تزیین سفال است. از چشمه علی شهر ری، یک تکه سفال بسیار مشهور می‌شناسیم که هم اکنون در موزه لوور است (تصویر ۴) و روی آن، نقوش انسانی احتمالاً زن، با کلاه یا سربند و لباس‌های تنگ، دست یکدیگر را گرفته و مشغول رقص می‌باشند. این سفال هم مربوط به نیمه هزاره چهارم پیش از میلاد می‌باشد (ملک زاده، ۱۳۴۷: ۳۰). این نقش مایه‌ها به دلیل ریشه عمیقی که در فرهنگ ایرانی داشتند، پس از اسلام نیز تهی از معنا نشدند؛ زیرا اعتقاداتی که با حضور اسلام از میدان به در شدند، تا مدت‌های مدید هم‌چنان در باور عامه برقرار بودند. به طوری که بسیاری از این نقوش، خصوصاً در ریاضیات و اخترشناسی جایگاه خود را حفظ کرده است.

در دوران تاریخی با توجه به رواج گسترده هنر فلزکاری و اهمیت کم‌تر هنر سفالگری، نقش تزیینی جاندار چندان روی سفال برجای نمانده و به جای آن، در ظروف فلزی و نقاشی‌های دیواری نمونه‌های متعددی از حضور نقوش انسانی و حیوانی مشاهده می‌شود که از بحث ما، خارج است.

اما نقوش جاندار در سفالینه‌های اسلامی با توجه به پیشرفت تکنیک‌های سفالگری، لعاب‌دهی، نقاشی و نیز توجه به ابعاد زیبایی شناختی آن، اهمیت بیش‌تری یافت. هرچند در قرون اولیه اسلامی از نقش جاندار در تزیین آثار سفالی کم‌تر استفاده می‌شد و اشیاء و ظروفی که دارای نقش جاندار بودند غیر اسلامی یا گبری می‌نامیدند (حسینی، ۱۳۹۱ ب: ۶۵)؛ اما این وضعیت در دوران سامانی دوام چندان نداشت و در این دوران زیباترین نقوش کل تاریخ هنر سفالگری ایران را عرضه کردند.

خراسان و بخش پهناوری از ایران مرکزی فرمان رانند. دوران حکومت آن‌ها عصر زرین تاریخ ایران اسلامی است. امیران سامانی درگسترش زبان پارسی دری و فرهنگ ایرانی، ضمن حفظ علاقه به آیین و سنن والای اسلامی، خدمات شایان توجهی مبذول داشته‌اند؛ سامانیان ایرانی‌نژاد آزادی خواه هم‌حمیت ملی داشتند و هم‌شعور و درک اسلامی؛ نیای سامانیان، سامان خدای، که از دهقانان و نجیب‌خاندان مهران بود، نسب خود را به بهرام چوبین، سردار ساسانی، می‌رساند (هروی، ۱۳۸۰: ۱۶).

پادشاهان و حاکمان سامانی در طی مدت حکومت حدوداً صد و سی ساله خود در ایران، در سال‌های مختلف کشوری، وسعت متفاوتی داشته‌اند؛ چنانچه در اواخر حکومت خود سرزمین ایران را از شرق تا هند و از غرب تا بغداد گسترش دادند؛ سمرقند، بلخ، بخارا و نیشابور از مراکز عمده حکومت آنان بوده است. امیران سامانی با سیاست حفظ پیوند خود با دستگاه خلافت عباسی می‌کوشیدند ایرانی بودن و خواسته‌های ملی‌گرایانه خود را نمایان سازند؛ به عبارتی، تمامی سلسله‌های ایرانی مسلمان (به ویژه سامانیان) در آغاز سده نهم/ سوم، درعین توجه به اصول اعتقادات دین اسلام، سعی داشتند پیوند حکومتی خود را با ایران باستان حفظ کنند؛ در واقع نیت حقیقی آن‌ها همانا احیای سنن و روحیه ملی‌گرایانه در زیرلوای دین اسلام بود (همان).

بی تردید دوران سامانیان یکی از درخشان‌ترین سده‌های تاریخ سیاسی و فرهنگی ایران است؛ رودکی، استاد مسلم شعر فارسی، شهید بلخی، ابوالحسن مرادی، رابعه قززاری، ابونصر فارابی، و ابن سینا در چنین دوران و فضای فرهنگی ظهور کردند و بالیدند؛ همچنین نام‌آوران ماوراءالنهر و خاندان‌های علم‌پروری نظیر بلعیمان، عدنانیان، جیهانیان و مصعبیان نیز در دربار او با عزت و احترام می‌زیستند. رشد و اعتلای علم و ادب در دوره سامانیان مدیون وزرای دانش‌پرور و ادب‌دوستی چون ابوعبدالله جیهانی و ابوالفضل بلعمی است. در این زمان، کتاب خوتای نامک (خدای نامه)، که در پایان حکومت ساسانیان بخشی از آن تدوین گشته بود، به زبان پارسی دری برگردانده شد؛ این اقدام سامانیان، نقش عمده‌ای در نشر و گسترش زبان پارسی دری و فرهنگ ایران زمین و حفظ و تأیید هویت ملی ایفا کرده است (اتینگهاوزن و شرآتو، ۱۳۷۶: ۵۰).

درواقع وقتی از رستاخیز فرهنگی زمان سامانیان سخن



تصویر ۱- جام سفالین، نیمه دوم هزاره چهارم پیش از میلاد، موزه لوور (پوپ، ۱۳۸۷: ۶۸۷).



تصویر ۲- بشقاب با نقش بزکوهی، دوران ساسانی، موزه ارمیتاژ (پوپ، ۱۳۸۷: ۱۲۶۸).



تصویر ۳- نقوش قطعه سفال مکشوفه از تپه سلیک کاشان حدود اوایل هزاره چهارم ق.م (ملک زاده، ۱۳۴۷: ۲۸).



تصویر ۴- نقوش تکه سفالی از چشمه علی، حدود سال ۳۶۰۰ (ملک زاده، ۱۳۴۷: ۲۷).

شرایط فرهنگی و هنری در دوران سامانیان سامانیان، این دودمان اصیل ایرانی، قریب صد و سی سال (۲۶۱-۳۸۵ه) با قدرت تمام بر ماوراءالنهر و

می‌رانیم؛ بیش از همه، احیای زبان فارسی را در سراسر خراسان بزرگ در نظر داریم که این نهضت احیاء، تألیف و تصنیف آثار فراوان به زبان مادری مردم این سرزمین را گسترش داد. این اقدام شجاعت‌مندانه‌ای که از زمان یعقوب لیث صفاری شروع شده بود، و در عهد سامانیان به اوج اعلا‌ی خود رسید، باید آغاز بیداری و چیرگی فرهنگی ایرانیان بر بیگانگان دانست. تکرار و تذکر این نکته لازم است که سامانیان، اهتمام به نشر فرهنگ و آثار قدیم ایران را مستلزم اظهار مخالفت با فرهنگ اسلام نمی‌شمردند. آنان، باسعه صدر، چنان فضای ساختند که مسلمان و غیر مسلمان آزادانه در کنار هم زندگی کنند، درس بخوانند و به نشر و گسترش علوم و فنون بپردازند. در پرتو همین سیاست بود که شعرا و ادبا و فلاسفه و فقها و مفسران بسیاری در دوره حکومت آنان رشد و نمو یافتند و آثار ارزشمندی به زبان تازی و پارسی تقدیم جامعه ایران کردند (هروی، ۱۳۹۲: ۱۶۳).

در چنین حکومتی با فضای سیاسی آزادانه می‌توان پیش بینی کرد که مبحث فرهنگ و هنرهای ظریف دارای چه جایگاهی بوده است، و هنرمندان سفالگر در ساختن ظروف سفالی در این عصر با چنین نقش مایه‌هایی، دارای چه جهان بینی و نگرشی بوده‌اند. در همین دوره و در همین برهه از تاریخ ایران اسلامی، الفبای زبان فارسی (پهلوی) را بر اساس خط کوفی عربی که در آن زمان خط و زبان رسمی ایران بود، طراحی کردند و به جای خط و زبان عربی که در همه جای کشور ایران گسترش یافته بود، قرار دادند. (ناجی، ۱۳۶۸: ۴۹) در ادامه به معرفی و تحلیل و نماد شناسی نمونه‌های از سفال‌های نیشابور که عمدتاً در قرون سوم و چهارم هجری ساخته شده‌اند، خواهیم پرداخت. که اطلاعات آن‌ها کمک بزرگی به شناخت دقیق‌تر فرهنگ و هنر دوران سامانیان خواهد کرد.

### معرفی نمونه‌ها:

نقوش انسانی در سفال نیشابور قدیمی‌ترین نقوش انسانی را در نقاشی‌های داخل غارها باید جست و جو کرد. نقوش انسانی در دوره اسلامی تقریباً در انواع سفالینه‌ها با آرایش‌های گوناگون، البسه متفاوت، حالات مختلف نشان داده شده است؛ موضوعی که جالب توجه است اینکه، عموماً تصویرگران نقوش انسانی را اغلب باحالت تفکر یا غمگین نشان می‌دهند و نقوش در حالت خوشحالی و شادی کم‌تر دیده شده است.

نقوش انسانی در سفالینه‌های نیشابور از پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین نقوش بر روی سفال‌های این دوران است؛ و موضوعاتی مانند شکارچینی سوار بر اسب، حاکمانی بر تخت نشسته و رقصندگان در میان، که همگی با حیوانات و پرندگان عجیب احاطه شده‌اند به تصویر کشیده‌اند. بزرگ‌ترین اصالت و تازگی این بازنمایی‌ها در سبک آن‌ها نهفته است. چنین است موضوعات عمده‌ای که بر سفالینه‌های مشرق ایران پیدا می‌شود که دارای خصایص مشترک می‌باشند؛ و پیچیده‌ترین مسئله‌ای که این طرح‌ها اقامه می‌کنند، خواستگاه آن‌ها می‌باشد. اگر چه این تصاویر را می‌توان وابسته به سنت‌های مختلف پیش از اسلام دانست؛ اما به نظر می‌آید که شمار نسبتاً زیادی از نقش‌ها ابداعات تازه بودند، یا به سنت‌های قدیمی‌تر بر می‌گردند که تماس مداوم با آن‌ها قطع شده بود. در ادامه به معرفی و تحلیل نمونه‌های از سفال‌های نیشابور با نقش مایه انسانی می‌پردازیم.

تصویر ۵- در این ظرف نقش مردی دیده می‌شود که به صورت چهار زانو بر روی صندلی نشسته و در حال نواختن چنگ است، چشمانی کشیده با خط ابروانی به هم پیوسته، بینی کوتاه و دهانی به صورت خطی کشیده دارد، لباس بلندش تا روی پاهایش کشیده شده، که آستین‌هایی بلند نیز دارد؛ در اطراف این نقش، دو پرند در سمت راست و چپش طرح شدند و بالای سر او یک خط کتیبه کوفی به چشم می‌خورد. زمینه طرح به رنگ سفید با نقطه‌های سیاه کوچک است که دو حاشیه دارد، اولی به رنگ سیاه با نیم دایره و دایره‌های کوچک سفید و دومی نیز با نقوش نیم دایره و دایره مانند در زمینه و رنگ سفید نقش شده و خطوط مارپیچی آن را پوشش می‌دهد.

تصویر ۶- در این ظرف نقش دو مرد در مرکز تصویر دیده می‌شود که دست راست آن‌ها به سمت بالا و در کنار یکدیگر و دست چپشان در پایین کنار یکدیگر قرار دارد؛ پاهایشان به حالت کشیده شده به طرف عقب، لباسشان شامل بالا تنه‌ای تنگ و آستین بلند، شلواری پف‌دار که در قسمت پایین تنگ می‌باشد؛ پاهایشان برهنه و بدون کفش است و صورتشان به صورت نیم رخ و صاف با ریش‌هایی آراسته، که در خط باریکی از چانه، تا پشت سر ادامه دارد؛ چشمانی کشیده با خط ابرویی باریک و بینی و دهانی که با خطوط کوتاه طرح شده‌اند؛ در اطراف آن‌ها، نقوش پرندگان در یک ردیف پشت سر هم، دور این نقش طراحی شدند؛ بعضی از پرنده‌ها دارای کاکل‌های



کوتاه؛ لباسهایش با آستین تنگ در قسمت کمر جمع شده، و قسمت پایین آن گشاد، تا روی پاهایش است؛ زمینه نقش با نقوش دایره‌های کوچک و ریز پر شده، که برای طراحی تمام نقش‌ها از رنگ قهوه‌ای بیش‌ترین بهره را برده‌اند و زمینه را سفید باقی گذاشته‌اند، حاشیه‌ای با خطوط شکسته دور ظرف را پوشش می‌دهد که آن نیز به رنگ قهوه‌ای است.



تصویر ۷- کاسه سفالین، نقش چهار پیکره، نیشابور، مأخذ: (درگاه اینترنتی: MetropolitanMuseum.org).

درازی هستند که تا نزدیک دم آن‌ها نیز ادامه دارد؛ زمینه به وسیله نقوش گل مانند و دایره‌های کوچک تزیین شده، که خود زمینه به رنگ زرد و حاشیه دور ظرف به رنگ قرمز در یک خط باریک است؛ نقش اصلی با رنگ‌های مختلفی تزیین شده که با طرح‌های ریزی به رنگ سیاه حاشیه دومی برای آن به وجود آورده‌اند.



تصویر ۵- بشقاب سفالین، دوره سامانی، نیشابور، موزه رضا عباسی (قوچانی، ۱۳۸۴: ۵۳).



تصویر ۸- کاسه سفالین، نقش پیکره زن، نیشابور، مأخذ: (درگاه اینترنتی: MetropolitanMuseum.org).



تصویر ۶- سفالینه با نقش دو پیکره، دوران سامانی، نیشابور (آزاد بخت، ۱۳۹۰: ۵۹).

نقوش حیوانی در سفال نیشابور نقوش حیوانات بر روی سفال‌ها سابقه‌ای دیرینه دارد. سفالگران نقوش حیوانی مانند بز، آهو، گوزن، گاو، شیر، سگ، قوچ و انواع پرندگان را به الهام از محیط اطرافشان روی سفال‌ها ایجاد می‌کردند. نقوش مزبور زمانی توأم با دیگر نقوش، همچون: نقوش گیاهی، هندسی و ترکیبی برای آرایش سفال‌ها به کار برده می‌شدند. لازم به ذکر است که گاهی این نقوش مفهوم خاصی از دیدگاه و تفکر سفالگر یا طراح نقش را منعکس می‌کند. تعدادی از این حیوانات بی‌آنکه در تغذیه خود نیازمند بشر باشند، خوراک و پوشاک او را تهیه می‌کنند و یا منبع قدرتی بودند که در کار یا در عمل و سواری مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ به طوری که این حیوانات با فرهنگ و اعتقادات بشر در آمیخته‌اند.

شمار زیاد سفالینه‌های منقوش جانوری در طول قرون متمادی، گویای اهمیت این نقش‌مایه در میان سفالینه

تصویر ۷- در این ظرف نقش، چهار زن به حالت چهار زانو نشسته دور ظرف طرح شده است که در بین هر کدام از آن‌ها، نقوش پرندگان و حیوانات دیگر به چشم می‌خورد؛ در مرکز آن نیز یک مربع، با نقوش اسلیمی یا گیاهی پر شده است؛ این چهار نفر موهای بلند دارند که از قسمت پیشانی به پایین طرح شده‌اند؛ همه اجزای صورت آن‌ها کوچک نقش شده‌اند؛ برای طراحی لباس‌ها از رنگ سبز و سیاه بیش‌تر استفاده کرده‌اند، و طراحی‌های کوچک گیاهی و هندسی در روی آن‌ها به کار رفته که برای حیوانات نیز به چشم می‌خورد؛ زمینه با رنگ زرد و نقوش کوچک گیاهی در روی آن طراحی و نقش شده‌اند.

تصویر ۸- در این کاسه، نقش انسانی با تنگی در دست چپ طرح شده است؛ موهای بلندی دارد، که تا پایین پاهایش کشیده شده است؛ چشمانی بزرگ با خط ابروانی راست و کشیده و بینی و دهانی با خطوط



تصویر ۱۰- کاسه سفالین، نقش پرنده سفید، سامانی، نیشابور، مأخذ: (درگاه اینترنتی: Metropolitan Museum.org)

تصویر ۱۱- این تصویر نقش دو پرنده است به حالت نشسته، روی درخت یا گلدانی بزرگ طرح شدند که منقار خود را به آن می‌زنند، این نقش، کل سطح ظرف را به خود اختصاص داده است؛ بدن پرندگان در این نقش با دایره‌های کوچک سیاه رنگی تزیین شده است؛ پرندگان بدنی بلند و دم‌ی دراز دارند؛ یکی از آن‌ها کاکلی دارد که به صورت کوتاه و مثلث مانند نقش شده است؛ از دایره‌های کوچک برای نشان دادن چشم‌ها استفاده کرده‌اند؛ درخت یا گلدان به صورت دو مثلث به هم وصل شده است؛ مثلث اولی با دایره‌های کوچک سیاه، تزیین شده است و مثلث دومی، دو مثلث کوچک دیگر را در خود جای داده است و بالای آن، نقشی شبیه گل یا برگ طرح شده است؛ در سمت راست و چپ آن‌ها، نقوش دایره مانند، به رنگ قرمز قرار دارند؛ زمینه به رنگ زرداست، و برای نقش اصلی از رنگ‌های قرمز و سیاه بیش‌ترین استفاده شده است.

تصویر ۱۲- در مرکز این ظرف، بز کوهی نقش شده است، که به حالت دویدن است؛ در اطراف آن نقوشی ظاهراً گیاهی به چشم می‌خورد، که به صورت پیچک‌هایی، دور نقش و ظرف را در بر گرفته‌اند؛ نقوش دایره‌ای کوچک سفید رنگ، کل بدن حیوان را پوشش می‌دهند؛ این حیوان شاخ‌های بلندی دارد که طول آن‌ها تا انتهای بدنش می‌رسد؛ اجزای صورت حیوان مشخص نیست، شاید علت خاصی دارد؛ رنگ زمینه این طرح، قهوه‌ای کم رنگ است که حاشیه آن، با یک خط سفید که دارای نقطه‌های ریزی است، پوشش داده شده؛ و بعد از این حاشیه، نقطه‌های سفید رنگ کوچک و بزرگ، دور آن را در بر گرفته است.

های نیشابور است. این نقوش شامل حیواناتی چون آهو، اسب، گوزن، ماهی، بز، شیر و پرندگان است. این نقوش نیز بر اساس باورهای مذهبی و فرهنگی زمان خود در طی دوران به تکامل رسیده‌اند و نقوشی هستند که از نقطه نظر موضوع و محتوا، هنرمند شاخصه‌ای نمادین و رمز پردازانه را در نظر داشته و به طراحی آن‌ها مبادرت کرده است.

تصویر ۹- نقش پرندگان را بر سطح ظرف می‌بینیم که نقش اصلی و مرکزی آن را نقش طاووس با بال‌های گشوده تشکیل می‌دهد، دارای بدنی کوچک و جمع شده است، اطراف آن با نقش چهار پرنده با بدن‌های کشیده که بال‌های خاصی برای آن‌ها طراحی شده پر شده است؛ روی بدن آن‌ها نقطه‌های کوچک سفید ماندی قرار دارد؛ قسمت گردن و پشت آن‌ها با رنگ سفید طراحی شده است؛ پرنده‌ای که در مرکز قرار دارد، تماماً با رنگ سیاه طراحی شده است؛ رنگ‌های غالب برای نشان دادن پرندگان رنگ قهوه‌ای است، که همین رنگ برای حاشیه و دورگیری آن نیز استفاده شده است؛ نقش مرکزی با یک حاشیه دایره مانند از بقیه قسمت‌ها جدا شده، که با دو رنگ سیاه و سفید این کار انجام شده است.

تصویر ۱۰- در مرکز این ظرف، نقش پرنده‌ای دیده می‌شود که بال‌های خود را گشوده و حالت پرواز به خود گرفته است؛ در اطراف و به نوعی حاشیه این نقش نیز نقش دو پرنده دیگر است که یکی در قسمت پایین و دیگری در قسمت بالای ظرف به تصویر در آمده‌اند؛ رنگ زمینه قهوه‌ای است با حاشیه سفید؛ پرندگان دور ظرف با بدن‌های قهوه‌ای و بال و گردنی سفید؛ پرنده مرکز ظرف نیز به رنگ سفید با خط‌ها و دایره‌های کوچک بر روی بال و دم خود طراحی شده است. در این ظرف علاوه بر نقش پرندگان از نقوش هندسی نیز برای دورگیری فضاها و حاشیه آن استفاده شده است.



تصویر ۹- قاب سفالین، نقش طاووس، دوره سامانی، نیشابور، مأخذ: (درگاه اینترنتی: Metropolitan Museum.org)



تصویر ۱۱- ظرف سفالین، پرنده، دوره سامانی، نیشابور، مأخذ: (کریمی و کیانی، ۱۳۶۴: ۱۷۶).



تصویر ۱۲- پیاله سفالین، نقش بزکوهی، دوره سامانی، نیشابور، مأخذ: (درگاه اینترنتی: MetropolitanMuseum.org).

آن قرار داده شده است؛ چشمانی بزرگ با ابروانی کشیده دارد؛ بینی آن با خطوط کوتاهی طرح شده‌اند؛ دستهایش به صورت تکیه داده شده بر بدن نقش شده، و پاهایش نیز به حالت جمع شده نشان داده شده است؛ برای تزیین لباس از نقوش دایره مانند سیاه رنگ، استفاده شده است؛ زمینه کل طرح به رنگ سفید است و برای مشخص کردن نقش آن، از رنگ سیاه استفاده شده است.

تصویر ۱۴- در تزیین این ظرف، از نقش ترکیبی استفاده شده است. انسانی را با سر حیوانی نشان می‌دهد که دست‌های خود را به حالت کشیده و باز قرار داده است؛ پاها به حالت برگشته به طرف چپ بدن نقش شده است. لباس او به صورت آستین‌دار می‌باشد که از خطوط و نقوش گل مانند، برای تزیین آن استفاده کرده‌اند؛ گردنی دراز و مثلث مانند دارد، اطراف آن را با نقوش گیاهی و حیوانی تزیین کرده‌اند، که از رنگ سیاه و زمینه خاکستری استفاده شده است.



تصویر ۱۳- بشقاب سفالین، موجود تلفیقی (خیالی)، نیشابور (فیروز، ۱۳۴۵: ۳۷).



تصویر ۱۴- کاسه سفالین، سامانی، نیشابور، مأخذ: (چنگیز، ۱۳۹۰: ۴۲).

تصویر ۱۵- این تصویر، نقش حیوانی را در مرکز نشان می‌دهد که برای طراحی دم آن، از طرح گیاهی استفاده شده است؛ اطراف این نقش نیز با نقوش گیاهی تزیین شده است. خود حیوان را با دست‌ها و پاهای جمع شده، طراحی کرده‌اند. برای تزیین نقش‌های گیاهی از نقوش مثلث مانند استفاده شده است؛ و همین نقش، در قسمت پایین و زیر پای حیوان نیز به چشم می‌خورد. حاشیه شامل نقش مثلث‌های کوچک سیاه رنگ است که زمینه آن سفید

نقوش ترکیبی (موجودات تخیلی) در سفال نیشابور برخی از ظروف نیشابور، از نقوش نامتعارف تشکیل شده‌اند. این موجودات عجیب و غریب، معمولاً تلفیقی از انسان و حیوان هستند. این نقوش سابقه‌ای ذهنی دیرینه‌ای را در فرهنگ بشری دارا هستند (چنگیز، ۱۳۹۰: ۴۱). این نقوش در این دوره، تقلید صادقانه‌ای از طبیعت اطراف و محیط زیست است که از درون و جان سفالگران تراوش کرده است. با وجود سابقه کهن ایران در ایجاد و کاربرد این نقش، به نظر می‌رسد در هنر سفالگری ایران به‌خصوص طی دوران تاریخی (هخامنشی تا ساسانی)، نقش مزبور چندان مورد اقبال نبوده است؛ به‌طوریکه نمونه‌های بر جا مانده بیشتر بر سطح ظروف فلزی قابل مشاهده است. اما برخلاف پیش از اسلام، نمونه‌های متعددی از موجودات ترکیبی با سر انسان و بدن پرندگان یا موجودات تخیلی در هنرهای مختلف اسلامی ایران از جمله در هنر سفالگری برجای مانده است. چنانچه در دوره اسلامی بر روی سفال‌های نیشابور این نقوش به تصویر در آمده است. بدیهی است شناخت ویژگی‌های نقوش موجودات ترکیبی بعنوان بخش کوچک اما مهمی از عناصر تزیینی سفال دوران اسلامی می‌تواند راهگشای بسیاری از پرسش و ابهامات در زمینه منابع و انگیزه‌های کاربرد آنها باشد.

تصویر ۱۳- در این ظرف فقط نقش یک موجود تخیلی در قالب انسان دیده می‌شود که برای طراحی سر و بدن، از نقوش هندسی بهره گرفته شده است. سر آن، به صورت مثلث مانند است که کلاهی شاخدار بر روی



رنگ و خود نقش با رنگ‌های سفید و سیاه به تصویر درآمده است؛ کل بدن حیوان، با نقوش دایره مانند کوچک و سیاه طراحی شده است.

تصویر ۱۶- این تصویر یک نقش تلفیقی است؛ بدن حیوان و سر انسان را نشان می‌دهد که در اطرافش نقش پرده ای در بالا و یک بز در پایین دیده می‌شود؛ بدن آن با نقوش دایره‌ای سفید رنگ نقش شده که نقش‌های پرده و بز نیز با نقوش سفید رنگ دیده می‌شوند؛ در اینجا رنگ سیاه بر بدن آن‌ها مسلط است و استفاده بیش‌تری شده؛ رنگ زمینه سفید، شامل نقوش ریزی می‌باشد و بدن حیوان نیز خاکستری است، اطراف آن نقش‌های کوچک دیگری نیز به چشم می‌خورد که به رنگ سیاه می‌باشند؛ یک حاشیه سیاه رنگ یک‌دستی، دور این نقش و در واقع وسط ظرف را پوشش می‌دهد.



تصویر ۱۵- بشقاب سفالین، نقوش تخیلی، نیشابور (رفیعی، ۱۳۷۸: ۶۰).



تصویر ۱۶- کاسه سفالین، نقوش تلفیقی، نیشابور (Grube, 1394: 37).

یافته های تحقیق:

تحلیل و نماد شناسی نقوش

در بررسی نمونه‌ها متوجه می‌شویم آن دسته از سفال‌های نیشابور که با نقش مایه جاندار ( انسانی، حیوانی، موجودات خیالی و تلفیقی) تزیین شده‌اند، عامل واحدی را نمی‌توان به عنوان عامل نقش کردن نقوش مزبور بر روی این سفالینه‌ها ذکر کرد. بلکه مجموعه‌ای از عوامل و منابع شناخته و ناشناخته در نقش کردن آن‌ها دخیل بوده‌اند. مهم‌ترین منابعی که در ذهن هنرمندان سازنده و طراح سفال‌های نیشابور تأثیر عمیق گذاشته، رواج و رونق ادبیات و فرهنگ ایران

زمین در عهد سامانیان، که دگر باره زبان فارسی جان تازه ای به خود گرفت؛ تأثیر پذیری از آیین‌های مذهبی در این دوران، که سفال‌های نیشابور نشان دهنده دو دیدگاه متفاوت و کشمکش دو قطب مذهبی است، علاقه خاندان پادشاهی سامانی به زنده نگهداشتن فرهنگ و هنر ایران پیش از اسلام به عنوان وارث ساسانیان، هنرمندسازنده و طراح نقوش، نقش مهمی در ایجاد چنین نقش مایه‌ها داشته است. در ادامه به بحث و تحلیل و نمادشناسی هر یک از نقوش مزبور می‌پردازیم.

نقوش انسانی: یک دسته از پیچیده‌ترین نقوش این سفالینه‌ها مربوط به نقش انسان است. در طراحی و تزیین این سفالینه‌ها تقارن و نظم خاصی مشاهده می‌شود؛ معمولا در تزیین این سفالینه‌ها، پیکره انسانی تمام فضای اصلی ظرف را اشغال می‌کند و نقوش حیوانی و گیاهی اعم از جانوران، پرندگان و اقسام گل‌ها و برگ‌های کوچک اطراف آن را احاطه کرده است. رنگ بیش‌تر سفالینه‌ها زرد نخودی است و نقوش با دورگیری سیاه، قهوه ای و ارغوانی مایل به تیره بر آن‌ها اجرا شده و با رنگ سبز رنگ آمیزی شده است.

نقوش پیکره‌های انسانی در این سفالینه‌ها ویژگی‌های خاصی دارند؛ از این میان، می‌توان به ویژگی‌های زیر اشاره کرد: محکم و استوار بودن خطوط کنارنما، فرم‌های خشک و زاویه دار، خشکی چهره، تاکید بر خطوط کناره، نمای چهره به ویژه چشم‌ها و ابروان، حالت نشستن چهارزانو و نقوش گیاهی ساده در کناره‌ها ترسیم شده است.

در این سفال‌ها نقش انسانی به‌کار رفته همراه نقوش دیگر، تمام سطح ظرف را احاطه کرده است؛ یک نوع مرکزیت در رابطه با نقش انسانی مشاهده می‌شود که در جهت تأیید و علت نقش کردن آن می‌باشد؛ کل این نقش را با یک خط، به رنگ‌های مختلف دورگیری کردند و به نوعی، نقش را در یک فضای بسته قرار دادند. معمولاً نقوش جانوری همراه با نقوش انسانی، بیش‌ترین کاربرد را در تزیین سفالینه‌ها دارند؛ و نقش‌های دیگر کم‌تر استفاده شده است؛ نحوه قرار گیری این نقوش، به این صورت است که، معمولاً دورتا دور نقش اصلی را پوشش می‌دهند؛ گاهی نیز در قسمت‌های چپ و راست نقش طرح شده‌اند. در طراحی نقش‌ها بیش‌تر از رنگ‌های روشن و تأثیرگذار استفاده کردند، مانند: نخودی، قهوه ای، قرمز و خاکستری، که نوعی ترکیب رنگی خاصی را برای

بارزتر نشان دادن و تأکید بیش‌تر بر نقش‌ها به‌کار بردند؛ برای دور گیری از خطوط و نقوش هندسی استفاده کردند، این نیز می‌تواند نوعی تضاد نقشی به وجود آمده، در ارتباط با نقش اصلی و مرکزی ظرف باشد، که از نقش مخالف و مختلف برای پر کردن و دور گیری آن استفاده شده است.

نقوش انسانی سفالینه‌های نیشابور، در عین سادگی، دارای ظرافتی دقیق هستند که می‌توان گفت حالت گریایی و تناسب قالب و محتوا به بهترین نحو مشاهده می‌شود. در این سفال‌ها فضاسازی و تک پیکره‌ای اندک بوده، و حالت انتزاعی‌تر و تراکم بیش‌تری در فضاسازی دیده می‌شود؛ هنرمند در این آثار، هیچ فضای خالی را از دست نداده و حتی کوچک‌ترین و بی‌اهمیت‌ترین سطوح را به نحو احسن تزیین کرده است. نقش انسانی در وسط ظرف، نشانگر مقام والای اوست؛ به عبارتی، اصل اهمیت افراد، بر اساس اندازه گیری در این تصاویر رعایت شده است.

ویلکنسون حفار نیشابور، معتقد است که سفالگران این منطقه در تزیین و جزییات ترسیم لباس و آرایش صورت و گیسوان پیکره‌ها بی‌تفاوت بوده‌اند؛ اکثر پیکره‌های ترسیم شده، از لحاظ جنسیت نامشخص و غیر قابل تمیز هستند. (همپارتیان و خزایی، ۱۳۸۴: ۴۴) درحالی که، کاملاً جنسیت بیش‌تر نمونه‌ها، مشخص و بارز است؛ در تصاویر مردان بر سفال‌ها، بیش‌تر بر روی شئ، کمر بند، کلاه‌خود و ادوات جنگی تأکید شده است؛ پوشاک و آرایش صورت و گیسوان خاص در زنان، از مشخصه‌های اصلی است که به شکل ساده و واضح بر آن‌ها تأکید شده است.

عده‌ای از محققان چون ویلکنسون و اتینگهاوزن، نقوش انسانی این سفالینه‌ها را حاصل تأثیر هنر ساسانی می‌دانند. اما محققان چون محمد خزایی به این نکته واقف‌اند که هنر ساسانی، هنر اسطوره‌ای نبوده، بلکه هنری سیاسی - مذهبی بوده است؛ مانند صحنه تاج‌گذاری و تفویض قدرت پادشاهی خاص، پیکره و یا نقش برجسته‌های پادشاهان ساسانی؛ اما در نقوش انسانی سفالینه‌های نیشابور با چهره فردی خاص مواجه نیستیم (همان: ۴۹). ولی این احتمال وجود دارد که هنرمند طراح نقوش سفالینه‌ها، این تصاویر انسانی را براساس تصورات ذهنی خود و یا با استفاده از آثار هنری پیش از اسلام و داستان‌های عامیانه در بین مردم آن زمان، دست به طرح و تزیین این نوع سفال‌ها زده است.

ویژگی مهم نقوش این سفالینه‌ها، جنبه روایتی آن

است. در اکثر سفالینه‌ها، هنرمند با توجه به جنبه اساطیری مضمون آن، از ترکیب‌بندی کاملاً قرینه، بهره برده است؛ این شیوه ترکیب‌بندی که در هنر ایران از سابقه‌ای طولانی برخوردار است، شاید نتیجه و حاصل باورهای مذهبی دوره ساسانی باشد.

نقوش جانوری: سفال‌های زیبای نیشابور با نقش‌مایه‌های متنوعی شامل نقش انسانی، جانوری، پرندگان و گیاهان تزیین شده‌اند. نقوش جانوران بخش وسیعی از نقش‌مایه‌های سفالینه‌های نیشابور را به خود اختصاص داده است. حتی در ظروف تزیین شده با پیکره‌های انسانی، از نقوش جانوران، اعم از چهارپایان یا پرندگان مختلف، دیده می‌شود. در حقیقت، هریک از نقوش جاندار نماد و قراردادی برای معنایی خاص و ویژه هستند. شاید سادگی و تجرید حاکم بر این نقش‌مایه‌ها را بتوان متأثر از هنر تجریدگرا و انتزاعی پیش از تاریخ، به حساب آورد.

نقش‌های موجود روی هنرهای سنتی از جمله سفال، بیانگر تخیل آدمی همراه با برداشت فلسفی‌اش از عالم هستی، نوعی بازتاب روحی تلقی گردیده و به این ترتیب هنرمند، هستی را نه آن چنان که هست، بلکه آن چنان که میل داشته به تصویر کشیده است (حسین آبادی و رهنورد، ۱۳۸۵: ۷۳). با دقت هرچه بیش‌تر و نگاه ژرف‌تر در نقش‌مایه‌های ایجاد شده بر سفال‌های نیشابور متوجه می‌شویم که این نقش‌مایه‌ها از اندیشه ذهنی مردمان و با الهام از طبیعت پیرامون خود که در تکاپوی زیستن بوده‌اند، نقش کرده‌اند. هنرمندان سفالگر دیروز و امروز با الهام از طبیعت پیرامونشان به تجریدگرایی محیط پرداخته و این نقوش تجرید شده را به شیواترین وجه ممکن در آثارشان حک نموده‌اند. در این میان سفال هرچند، نقش یافته هنرمندان‌اش قرن‌ها مهمان خاک بوده، ولی به مدد جنس مقاوم و تجزیه‌ناپذیرش کماکان تصاویر زنده صورتش را برای آیندگان جوینده گذشته، هدیه آورده است. در جوامع سنتی سفال‌ها همانند دیگر آثار هنری جنبه کاربردی نداشته، بلکه محل ذخیره ناقل اطلاعاتی در مورد جهان بینی اقوام آفریننده‌شان بوده‌اند (Serkina, 2, 1999). ثبت دیده‌ها و شنیده‌ها هزاران سال است که بشر را به خود مشغول داشته است. با توجه به شواهد تاریخی برگرفته از غارهای عصر سنگ، می‌توان پی به قدمت کهن ثبت خاطره برد. هنرمندان چیره دست سال‌هاست که چه با نوک تیز ابزار و چه با رنگ و لعاب مکشوفه به ثبت دیده‌ها و شنیده‌هایشان پرداختند. به طور کلی می‌توان اظهار داشت که

هنرمندان دنیای باستان در مورد نقش جانوران، سعی زیادی در طبیعت‌گرایی از خود نشان داده‌اند. (حاتم، ۱۳۷۴: ۳۶۲) در نهایت، هنرمند طراح سفال نیشابور برای ایجاد نقش مایه‌های جانوری، از نقوش سفال‌های پیشین و طبیعت اطراف خود بیش‌ترین الهام را گرفته است.

چهارچوب کلی نقوش جانوری در سفالینه‌های نیشابور، طوری طراحی شده که، یک حالت مرکزیت را در فضای میانی در کادری مشخص نشان می‌دهد و نوعی تأکید فضایی را القا می‌کند؛ نقوش به کار رفته در کنار این نقش‌ها بیش‌تر نقوش هندسی می‌باشد؛ برای محصور کردن نقوش نیز یک کادر مشخص را به کار بردند؛ نقش اصلی را معمولاً یک نوع پرنده در بر می‌گیرد؛ تقسیم بندی فضای سطح ظرف به این صورت است که علاوه بر نقش مرکزی نقش‌هایی را همراه و در کنار این نقش مشاهده می‌کنیم که بیش‌تر در حالت دایره وار اطراف آن را پوشش می‌دهد و جهت سر همه نقش‌ها، به یک سمت و پشت سر هم می‌باشد، در اینجا نیز رنگ‌های به کار رفته مانند دیگر نقوش‌ها ترکیبی از رنگ‌های قهوه‌ای، نخودی و خاکستری می‌باشد، نقش‌های استفاده شده برای دورگیری نیز خطوط و نقش‌های مثلث مانند می‌باشد. در این نقوش، حیوانات با حالت پویا ترسیم شده‌اند، بر خلاف آرایه‌های جانوری در اوایل اسلام که، تا حد زیادی ساکن هستند؛ افزایش طبیعت‌گرایی و توجه به واقع‌نمایی، ظریف‌تر شدن نقوش و کاهش حالت هندسی و رسمی جانوران از خصوصیات نقوش حیوانی سفالینه‌های این دوره محسوب می‌شوند. نقوش این دوره، حتی زمانی که به عنوان نقش اصلی مورد استفاده بودند، فضای کمی از ظرف را در بر می‌گرفتند و همراه دیگر نقوش (هندسی و گیاهی) به کار رفتند؛ سادگی ترسیم خطوط و آزادی در طراحی، حس بخشیدن به جانوران بدون حالت درنده‌خویی، تنوع در طراحی پاها، چشم، شاخ، سر و گردن، بال و بدن و تزیین در بافت داخل و خارج از بدن جانور، ایجاد تضاد رنگی، روشنی و توجه به فضاهای مثبت - منفی، نگاه اساطیری به جانوران و تنوع در اندازه جانوران به لحاظ کوچکی و بزرگی در طبیعت در تمامی آن‌ها در نظر گرفته شده است و هنرمند سعی کرده است، نقوش خود را به حالت واقع‌نمایی نزدیک‌تر کند و فضای یک‌دستی را در روی سفال‌ها به وجود بیاورد.

نقوش حیوانی که هنرمندان سفالگر بر روی سفال

حکاکی کرده‌اند جنبه نمادی دارند؛ در واقع نمادها، نمایش دهنده مناسبات نمایش گونه‌ای هستند؛ با این که، به اندازه اسطوره‌ها پیچیده نیستند، اما در قالبی ساده و قابل دسترس، رفتارها و هدف‌ها را هدایت می‌کنند. به طور کلی، منشأ نمادها دو نوع است: نمادها روابطی کاملاً قراردادی هستند و یا این که روابطی نمادینه شده‌اند، که در طول زمان، پذیرش عام پیدا کرده‌اند. در هر دو مورد نمادها و روابط مورد نظر خود را در قالبی کوچک، اشاره‌ای، تصویری، کنایه‌ای، حرکتی و کلامی ارائه می‌کند، در حقیقت، ارزش نماد نیز به خاطر کارکرد آن است (الیاده، ۱۳۹۱: ۱۸۲-۱۹۸).

نقوش ترکیبی (تلفیقی): تاکنون نظریه‌های گوناگونی در رابطه با منابع احتمالی کاربرد نقوش موجودات ترکیبی در هنر دوران اسلامی، مطرح شده است، که از بازنمایی مفاهیم صورفلکی تا تأثیر نمادهای سلطنتی دوران ساسانی، و از تعبیر محلی و رایج نشأت گرفته از تم‌های سنتی فرهنگ‌های یکجانشین تا تأثیر گروه‌های ویژه اجتماعی را دربر می‌گیرد (حسینی، ۱۳۹۱ الف: ۵۱). اما نظرات فوق به طور دقیق و مشخص به نموده‌های عینی این منابع اشاره‌ای نداشته و صرفاً به طور عام مطرح شده‌اند.

در سفال‌های نیشابور، نقوش نامتعارف و موجودات عجیب و غریب و افسانه‌ای، بیش‌تر تلفیق انسان و حیوان قابل مشاهده است. این نوع نقوش دارای سابقه‌ای دیرینه در فرهنگ بشری، به ویژه فرهنگ ایرانی هستند. حالت چهره‌ها در سفال نیشابور آرام است، حس خوب و بدون ترس را به بیننده القا می‌کند.

هنرمند طراح این نوع نقوش، با تلفیق ویژگی‌های خاص از چند جانور، احتمالاً سعی در جمع‌آوری چند نماد و مفهوم نمادین در یک تصویر را داشته است، و یا بیش‌تر جنبه تزیینی و تقدسی برای ساکنان این منطقه مدنظرش بوده است. به هر حال، هنرمند دوره سامانی برای نشان دادن توانایی هنریش، با الهام گرفتن از هنرهای خاص منطقه و هنرهای پیش از اسلام، این نوع سفال‌ها را به زیبایی هرچه تمام‌تر آفریده است.

در نقوش تلفیقی بیش‌تر از ترکیب بدن انسان و سر حیوان و در مواردی نیز برعکس بدن حیوان و سر انسان استفاده شده است؛ این نقوش نیز یک نوع حالت مرکزیت دارند و در کنار آن‌ها نقش‌های گیاهی و حیوانی به کار رفته است؛ در بعضی از آن‌ها، نقش

مرکزی به صورت تک و ساده و بدون تزیین طراحی شده است، در موارد دیگر، نقش‌های همراه آن‌ها، در دور تا دور سطح ظرف به نمایش درآیند، و باز جهت‌گیری خاصی را نشان می‌دهند؛ نقوش به‌کار رفته برای دور‌گیری نیز مثلث‌های کوچک و خطوط دایره‌وار می‌باشد؛ رنگ‌های مورد استفاده نیز همان رنگ‌های به‌کار رفته در ظروف و نقش‌های دیگر است که حالت خاصی به طرح‌ها و نقش‌های روی ظرف داده، و نقش مرکزی را به صورت بارزتری مشخص و نمایان کرده است، که حالت تأکیدی را برای نقش مرکزی در ارتباط با دیگر نقوش بکار رفته در روی سطح ظرف، در نظر گرفته است.

در سفالینه‌ها، انسان با سر حیوان و بدن انسان را می‌توان نشانه‌ای از باورهای مذهبی دانست؛ طرح این نقوش بر گرفته از افکار، آداب و رسوم و فرهنگ جامعه بوده است، پیوند انسان و حیوان و اعتقاد به رویدادهای غیرعادی است. شاخ‌ها علامت قدرت جسمانی و سر حیوانی نشانه نفس حیوانی است؛ در ناحیه گردن خطوط به‌کار رفته مراحل سه‌گانه شریعت، طریقت و حقیقت را نشان می‌دهد که در ناحیه سر، هنوز نفس حیوانی دارد و با گذشت از این سه مرحله به مرحله حقیقی و کمال خود می‌رسد. تقریباً در همه دوره‌های هنر ایران از موجودات و نقوش تلفیقی استفاده شده است. در واقع، هنرمند با تلفیق ویژگی‌های خاص از چند جانور، سعی در جمع‌آوری چند نماد و مفهوم نمادین در یک جانور داشته است، و نشانه‌هایی از جانوران اساطیری در تعدادی از نقوش دیده می‌شود.

آنچه که از مباحث مطرح شده در این بخش، می‌توان دریافت، این است که، هنرمندان دوره سامانی در نیشابور با آثار هنری و اسطوره‌ای پیش از اسلام ایران و سایر ملت‌های هم‌جوار خود آشنایی کامل داشته‌اند؛ اما هنرمند طراح سفالینه‌های نیشابور یا مدیر و ناظر بر کارگاه‌های سفالگری این دوران، هیچ‌گاه اجازه تقلید صرف از نمونه‌های موجود را نداده‌اند. بدین ترتیب آنچه این هنرمندان پدید آورده‌اند، از هر نظر، هم زیبایی و هم کاربردی، نسبت به سفال‌های هم‌زمان یک نوع برتری خاصی داشته است. در واقع، با اینکه آنان به صورت‌های گوناگون تأثیر پذیرفته‌اند، لیکن این تأثیر پذیری به منظور برترکردن کار و ارجعیت بخشی از منظر زیبایی‌شناسی و تکامل و یا تحول بوده است.

## نتیجه‌گیری

باتوجه به مطالعات و بررسی‌های صورت گرفته، آنچه بیش از هر چیزی به دست می‌آید، تشابهات عینی نقوشی است که بر روی سفالینه‌های نیشابور در قرن‌های سوم و چهارم هجری با آثار هنری پیش از اسلام که به تصویر کشیده شده است. نقوش مورد بررسی به سه دسته: انسانی، حیوانی و موجودات تلفیقی (خیالی) تقسیم شده‌اند. نقوشی که بر روی سفالینه‌های نیشابور استفاده شده، بر گرفته از اقلیم، فرهنگ و تاریخ این منطقه و مناطق هم‌جوار نیشابور است. بنابراین هنرمند طراح، نقش یافته‌های خویش را از محیط اطراف برداشت نموده است؛ این بیانگر این مطلب است که از یک سو طبیعت و محیط پیرامون در خلق اثر هنری هنرمند نقش داشته و از سوی دیگر، اعتقادات دینی و مذهبی حاکم بر منطقه در خلق آثار هنریشان تأثیر گذار بوده است. برای مثال سفال‌های نیشابور هم دارای نقوش انسانی و حیوانی و هم دارای نقوش کتیبه‌ای هستند. احتمالاً نشان دهنده دو قطب مذهبی با دو دیدگاه متفاوت است (از یک طرف آیین زرتشتی و از طرف دیگر آیین اسلام). پس هنرمند به صورت هدفمند از فرهنگ و اعتقادات مذهبی خویش در خلق آثار هنری استفاده برده است.

با تحلیل نقوش سفالینه‌های نیشابور، به این نتیجه رسیدیم که هنرمند طراح سفال در آثار خود کورکورانه از نمونه‌های دیگر تقلید نکرده و با توجه به شناختش از فرهنگ و اساطیر بومی، از مضامینی بهره گرفته است که با تصویر ذهنی هنرمند از نقوش مورد نظر و فرهنگ ایرانی بیش‌ترین قرابت را داشته است.

## منابع

- آزادبخت، مجید و طاووسی، محمود (۱۳۹۰)، *استمرار نقش مایه‌های ساسانی بر سفال دوره سامانی*، مجله نگره، شماره ۲۲، دوره ۷، ۵۶-۷۱.
- اتینگهاوزن، ریچارد، شراتو، امبرتو (۱۹۷۹). *هنر سامانی و غزنوی، ترجمه یعقوب آژند*، ۱۳۷۶، تهران: مولی.
- الیاده، میرچا (۱۹۸۶). *تصاویر و نمادها، ترجمه محمد کاظم مهاجری*، ۱۳۹۱، چاپ دوم، تهران: پارسه.
- پوپ، آرتور و فیلیس اکرمین (۱۹۶۹)، *سیرری در هنر ایران*، جلد هفتم، ترجمه نجف دریا بندری، ۱۳۸۷، تهران: علمی و فرهنگی.
- پوپ، آرتور (۱۹۸۱) *شاهکارهای هنر ایران*، ترجمه پرویز ناتل‌خانلری، ۱۳۸۴، تهران: علمی و فرهنگی.



ساسانی بر سفالینه های نیشابور، مطالعات هنر اسلامی، شماره ۳، دوره ۲، ۶۰-۳۹.

## References

- Azadbakht, M., Tavooosi, M. (2012). *Continuation of the Sasanian Motifs on Ceramics of Samani Period, Negreh*, Vol: 7, No: 22, pp: 56-71 (Text in Persian).
- Changiz, S., Rezalu, R. (2011). *Neyshabur Animal Motifs Symbolic Evaluation*, HONAR-HA-YE-ZIBA HONAR-HA-YE TAJASSOMI, Vol: 15, No: 47, pp: 33-44 (Text in Persian).
- Eliade, M. (1986). *Images et Symbols (the translation is based on the English version titled Images and symbols: Studies in religious Symbolism)*, M, Mohajeri, 2012, (2nd ed), Tehran: Parseh (Text in Persian).
- Etinghausen, R., Scerrato, U. (1979). *The Art of Samanids and Ghaznavi (the present book is a translation of Encyclopedia of Word)*, Y. Azhand, 1998, *Tehran: Mola* (Text in Persian).
- Firouz, Sh. (1967). *Ceramics*, Tehran: Bahman (Text in Persian).
- Ghouchani, A. (2006). *Neyshabur Clay Inscriptions, Tehran: Reza Abbasi Museum* (Text in Persian).
- Grube, E. (1994). *Cobalt and Lustre: The First Centuries of Islamic Pottery* (The Nasser D. Khalili Collection of Islamic Art V. IX), Oxford: Oxford University.
- Hampartian, M., Khazayi, M. (2006). *Sassanid Motifs on the Pottery of Neyshabur*, Islamic Art, No: 3, pp: 39-60 (text in Persian).
- Hossein Abadi, Z., Rahnavard, Z. (2006). *Investigate the Figure and Colors in Ceramic and Carpet of Sistan, Goljaam*, Vol: 3, No: 4 & 5, pp: 57-74 (Text in Persian).
- Hatam, Gh. (1996). *Figure and Symbol in Ancient Pottery of Iran*, Art, No: 28, pp: 361-367 (Text in Persian).
- Heravi, J. (2002). *Samanids History (Iran Golden Age after the Islam)*, Amir Kabir, First Ed, Tehran: Amir Kabir (text in Persian).
- Hosseini, S.H. (2013, A). *Combined Fauna Motifs in The Art of Pottery*, HONAR-HA-YE-ZIBA HONAR-HA-YE TAJASSOMI, Vol: 17, No: 4, pp: 45-54 (Text in Persian).
- Hosseini, S.H. (2013, B). *Analysis of Samples of Women Motifs on Islamic ceramics*, Women in Culture Arts, Vol:4, No: 2, pp: 63-82 (Text in Persian).
- Kambakhsh Fard, S. (2008). *Ceramics and Pottery of Iran: The Early Neolithic to Modern Times*, Tehran: Qoqnoos (Text in Persian).
- Karimi, F., Kiyani, M.Y. (۱۹۸۶). *Art of Pottery in Islamic Period*, Tehran: Archeology Center of Iran (Text in Persian).
- Khaledian, S. (2008). *Effects of Sassanid Art on Islamic Era Pottery*, Archeological Studies, Vol: 8, No: 16, pp: 19-30 (Text in Persian).
- Malek Zadeh, F. (1969). *Women Motifs in Iranian Ancient Monuments, Art & People*, Vol: 3, No: 31, pp: 26-30 (Text in Persian).
- Mortezaie, M., Sedaghaty zadeh, N. (2013). *Evaluation of Gorgan Animal Motifs in the Islamic Period*, PAZHOHESH-HA-YE BASTANSHENASI IRAN, Vol: 2, No: 2, pp: 42-62 (Text in Persian).
- Naji, M. (1989). *Islamic Culture and Civilization in Samanid Territory*, Tehran: Amir Kabir (Text in Persian).
- Pope, A., Ackerman, Ph. (۱۹۶۹). *A Survey of Persian Art* (Volume VII), N. Dariabandari,

توحیدی، فائق (۱۳۷۹). *فن و هنر سفالگری*، تهران: سمت.

تجویدی، زهرا، شاکری راد، محمد علی (۱۳۸۶)، *آشنایی با هنرهای سنتی ایران*، چاپ دوم، تهران: دانشگاه پیام نور.

چنگیز، سحر و رضالو، رضا (۱۳۹۰)، *ارزیابی نمادین نقوش جانوری نیشابور*، هنرهای زیبا - تجسمی، شماره ۴۷، دوره ۱۵، ۳۳-۴۴.

حاتم، غلامعلی، (۱۳۷۴)، *نقش و نماد در سفالینه های کهن ایران*، فصلنامه هنر، شماره ۲۸، دوره ۷، ۳۶۱-۳۶۷.

حسین آبادی، زهرا و رهنورد، زهرا (۱۳۸۵). *بررسی نقش و رنگ در سفال و قالی سیستان*، گلجام، شماره ۴ و ۵، دوره ۳، ۵۷-۷۴.

حسینی، سید هاشم (۱۳۹۱ الف). *نقوش موجودات ترکیبی در هنر سفالگری*، هنرهای زیبا و تجسمی، شماره ۴، دوره ۱۷، ۴۵-۵۴.

حسینی، سید هاشم (۱۳۹۱ ب). *تحلیل نمونه های از نقوش زنان بر سفال دوره اسلامی*، زن در فرهنگ و هنر، شماره ۲، دوره ۴، ۶۳-۸۲.

خالدیان، ستار (۱۳۸۷)، *تأثیر هنر ساسانی بر سفال دوره اسلامی*، باستان پژوهی، شماره ۱۶، دوره ۸، ۱۹-۳۰. رفیعی، لیلیا (۱۳۷۸). *سفال ایران از دوران پیش از تاریخ تا عصر حاضر*، تهران: یساوولی.

زمانی، عباس (۲۵۳۵)، *تأثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی*، تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر. فیروز، شاهرخ (۱۳۴۵)، *سفال*، تهران: بهمن.

قوچانی، عبدالله (۱۳۸۴). *کتابچه های سفال نیشابور*، تهران: موزه رضا عباسی.

کامبخش فرد، سیف الله (۱۳۸۶). *سفال و سفالگری ایران: از ابتدایی نوسنگی تا دوران معاصر*، تهران: ققنوس.

کریمی، فاطمه و کیانی، محمدیوسف (۱۳۶۴). *هنر سفالگری در دوره اسلامی*، تهران: مرکز باستان شناسی ایران.

مرتضایی، محمد و صداقتی زاده ندا (۱۳۹۱). *بررسی نقوش جانوری گرگان در دوره اسلامی*، نامه باستان شناسی، شماره ۲، دوره ۲، ۴۷-۶۲. بهار و تابستان، صص ۶۲-۴۷.

ملک زاده، فرخ (۱۳۴۷). *نقوش زنان در آثار باستانی ایران*، هنر و مردم، شماره ۷۴، دوره ۷، ۲۶-۳۰.

هروی، جواد (۱۳۸۰). *تاریخ سامانیان (عصر طلایی ایران بعد از اسلام)*، تهران: امیرکبیر.

ناجی، محمدرضا (۱۳۶۸)، *فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانیان*، تهران: امیرکبیر.

همپارتیان، مهرداد و خزایی، محمد (۱۳۸۴). *نقوش*

- Persian).
- Towhidi, F. (2001). *Pottery Technique and Art*, Tehran : Samt (Text in Persian).
- Zamani, A. (1976). *Effects of Sassanid Art on Islamic Art*, Tehran: Ministry of Culture & Art (Text in Persian).  
www.Metropolitan Museum.org
- ۲۰۰۹, Tehran: Elmi-Farhangi (Text in Persian).
- Pope, A. (1981). *Masterpieces of Persian Art*, P. Natel Khanlari, 2006, Tehran: Elmi-Farhangi (Text in Persian).
- Rafiee, L. (1999). *Persian Pottery from Prehistoric Times to the Present*, Tehran: Yasavoli (Text in Persian).
- Serkina, G. (1999). *Traces of Tree Worship in the Decorative Patterns of Turkish Rugs*. 11th International Congress of Turkis Art Utrechtthe Netherlands.
- Tajvidi, Z., Shakeryrad, M.A. (2007). *An Introduction on Iranian Traditional Arts*, Second Ed, Tehran: Payame Noor (Text in

